گفت‌وگو با آلساندرو نستا مدافع میلان و تیم ملی ایتالیا ۲۲
شبحی سرگردان به نام اینتر .....
راه و روش انتخاب یک کاپیتان .....

جام جهانی در میدان ونک ۲۳
با بهمن فروتن در جاده کمربندی آمل .....
بکش تا زنده بمانی! .....

کل کل فوتبالی قبل از جام جهانی ۲۴
رسول را نمی خواهند .....
مشتری‌های دکتر بیژن .....

عکس: فارس

دقیقه صفر

بکش تا زنده بمانی!

وصال روحانی

از هر جهت و هر دیدگاه به ماجرای برکناری بیژن ذوالفقارنسب از رهبری ساپیا نگاه کنیم، نمی‌توانیم بابت آن متعجب نشویم.

او تیمی را مدعی مقام قهرمانی در فصل رو به پایان لیگ برتر فوتبال کشور کرده بود که در ابتدای فصل هیچ‌کس روی آن حساب نمی‌کرد. «دکتر» یک «تیم‌ساز» حاذق است. می‌توان به او خرده گرفت که در بسیاری از اوقات تیم‌های او بیش از حد دفاعی‌اند و در درجه اول به گل نخوردن می‌اندیشند اما حتی مخالفان وی نیز معترفند که او کارش را بلد است. ساختن یک تیم منسجم و محکم و هدفمند از یک «ساپیا»ی عمدتاً جوان هنر بزرگ ذوالفقارنسب در این فصل بود و حتی برچسب «دفاعی بودن» نیز در اواسط فصل از پیشانی تیم وی کنده شد زیرا ساپیا توفان‌هایی از گلزنی را به راه انداخت. مهم‌تر از همه اینکه جوان‌های ساپیا می‌دانستند چه می‌کنند و در فوتبال دیم ما که در آن «با برنامه بازی کردن» چیزی نادر است این همانند یک ثروت جلوه می‌کرد.

هر چه بود کمتر از ۲۴ ساعت بعد از شکست ساپیا در برابر راه‌آهن که اندک امیدهای قهرمانی این تیم را پراند، از ذوالفقارنسب خواستند که برود. در فوتبال حرفه‌ای کنار گذاشتن یک مربی رایج‌ترین و عادی‌ترین کار است اما گاهی منطقی‌ترین کار نیست. حالت دوم در مورد ذوالفقارنسب صدق می‌کند. کسی به این فکر نکرد که او یک تیم از یاد رفته و ضعیف شده را که خود باور آورده بود دیگر یک «قدرت» قابل ذکر در فوتبال ایران نیست به مدعی جدی قهرمانی بدل کرد و از یک تیم متوسط یک تیم خوب ساخت. تیم خوبی که گاهی «خیلی خوب» نشان می‌داد.

بیژن با کاری که امسال در ساپیا انجام داد، زنده شد. عده‌ای بازی‌های نه‌چندان زیبای پیکان را تحت رهبری وی در دو سه فصل گذشته نشانه پایان یافتن دوران اوج وی در کار مربیگری تلقی کرده بودند، اما دکتر با ساپیا و با بازی‌هایی که از این تیم گرفت و با روحیه و قوام دادن به جوانانی که حتی خودشان نیز رویای پیشتازی در لیگ را نمی‌دیدند، ناظران و مردم را متعجب و باور قهرمانی (و نه خود آن را) به وجود

آنان تزریق کرد.

گاهی که یک تیم مدعی قهرمانی و باشگاهی بزرگ را تحویل می‌گیرید و نتیجه بدی را به دست می‌آورید، باید بروید. این حکم فوتبال است و حتی اگر آن را قبول نداشته باشید، باید به عنوان یک قانون بیرحمانه و ناگزیر آن را بپذیرید. در نقطه مقابل گاهی تیمی را تحویل می‌گیرید که هیچ‌کس امیدی به آن نبسته است و از آن تیم «ساپیا» می‌سازید. در آن صورت حتی اگر در خاتمه فصل و در پایان محاسبات چهارم نیز بشوید، باید مثل یک قهرمان با شما برخورد شود. اما با «دکتر» برخوردی شد که دیدید و توضیحات بعدی در این خصوص نیز کفایت نداشته و بیشتر بر ابهام قضیه افزوده است.

هرچه هست این تنها مورد مربوط به برکناری مربیان در این فصل نمی‌شود و برخی تیم‌های لیگ برتر ما در طول فصل دو و حتی سه بار مربی عوض کرده‌اند حتی اگر استقلال اهواز را که طبق یک «شوخی نزدیک به حقیقت» هر هفته مربی‌اش را عوض می‌کند، نادیده بگیریم، تیم‌های متعددی را می‌یابیم که در طول فصل بر اثر فشارها و بحران‌های «گذرا و یا ماندنی» و با دلایلی منطقی و غیرمنطقی مربیان خود را کنار گذاشتند. پرسپولیس، صباباتری و شهید قندی از تیم‌هایی بودند که در تعریف فوق می‌گنجند و با فرهنگ و عرف حاکم بر فوتبال ما عجیب است که چرا امثال برق شیراز این کار را نکردند. هر منطق و یا بی‌منطقی‌ای را بر این روال قائل باشیم نمی‌توانیم این را نیز نادیده بگیریم که تغییرات عمده تازه‌ای برای فصل آینده در راه است؛ تغییراتی که به دلیل پایان زودهنگام لیگ و حداقل ۳/۵ ماه (و شاید هم چهار ماه) فاصله تا شروع فصل بعدی لیگ تیم‌های حاضر در صحنه وقت کافی برای تصمیم‌گیری پیرامون آن و اجرایش دارند.

اتفاقاتی که در راه‌آهن افتاد و رفتن کریمی به مرخصی! (از آن واژه‌های استثنایی در اواسط یک فصل فوتبال) و روی کار آمدن تابانی را موجب شد، می‌تواند در ساپیا استمرار یابد. سیدعلی افتخاری دستیار دکتر که مربی موقتی ساپیا شده، احتمالاً ماندنی نیست. اکبر میثاقیان هم شاید در مشهد نماند.

خبر آخر

سروسامان ۷ فدراسیون ورزشی

رئیس سازمان تربیت‌بدنی دستور داد: برای ۷ فدراسیون ساکن در مجموعه انقلاب، ساختمان جدید و مناسبی خریداری شود. مهندس محمد علی‌آبادی در نشست مشترک عصر روز یکشنبه خود با روسای فدراسیون‌های ساکن در مجموعه انقلاب که در حضور معاونین سازمان برگزار شد، تاکید کرد: هیچ فرق و تمایزی بین فدراسیون‌ها و شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی نیست و همه به عنوان یک مجموعه در خدمت ورزش هستیم. بی‌شک شرایط حاضر هم اقتضا می‌کند که مجموعه را به بهترین شکل بگردانیم و تحقق این امر ایجاب می‌کند که همه‌چیز در ورزش شفاف باشد تا مجموعه انقلاب نیز به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های ورزش، روی پای خود به لحاظ درآمدی بایستد. علی‌آبادی تاکید کرد: اعتقاد راسخ دارم که فدراسیون‌ها باید به لحاظ تشکیلات اداری در جای خوب و مناسبی مستقر شوند. برای همین نیز سازمان به‌دنبال این است که یک ساختمان خوب را برای فدراسیون‌های ساکن در مجموعه انقلاب خریداری کند تا این مجموعه از وضعیت فعلی خارج شود و ۳۰ درصد درآمدهایش هرز نرود. در حال حاضر به لحاظ حجم بالای عبور و مرور در مجموعه انقلاب، نمی‌توان به‌درستی ارباب‌رجوع را کنترل کرد، در حالی که استفاده ارباب‌رجوع از اماکن و امکانات مجموعه بایستی تابع ضوابطی خاص باشد. رئیس سازمان تربیت‌بدنی با تاکید بر این که در مجموعه انقلاب باید شرایط سالمی به لحاظ اخلاقی و فرهنگی پیش‌روی استفاده‌کنندگان قرار گیرد، گفت: بی‌شک سازمان ورزش هیچگونه بی‌اخلاقی و مسائل غیرفرهنگی را برنمی‌تابد و به دنبال این است که کلیه اماکن ورزشی محیط‌های امنی برای آحاد مردم باشند. مهندس علی‌آبادی همچنین تصریح کرد: جهت‌گیری کلی سازمان تربیت‌بدنی این است که همه‌چیز به سمت فدراسیون‌ها و هیات‌های ورزشی جهت یابد و ان‌شاءالله به شرایطی برسیم که هر یک از فدراسیون‌ها دارای مکان‌ها و فضاهای خوبی به لحاظ پیشبرد امور اداری خویش باشند. وی در عین حال به شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی دستور داد که زمین‌های تنیس و گلف مجموعه انقلاب را با قیمت‌های مناسب و دولتی، در اختیار فدراسیون‌های تنیس و گلف قرار دهند تا آنان نیز با صدور کارت برای استفاده‌کنندگان، با سیاست‌های کلی مجموعه انقلاب هماهنگ شوند. علی‌آبادی با اشاره به این که مجموعه انقلاب باید به‌طور کامل در سال ۸۵ از وجود فدراسیون‌ها تخلیه شود، به مهندس همدانلو معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان مأموریت داد که با نظر شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی، یک ساختمان ۲۰ واحدی خوب و مناسب را ظرف هفته‌های آینده برای اسکان ۷ فدراسیون ساکن در مجموعه انقلاب خریداری کند. این گزارش حاکی است روسای هفت فدراسیون ساکن در مجموعه انقلاب از تصمیم مهندس علی‌آبادی استقبال کرده و اعلام کردند که سیاست سازمان در جهت عقد قرارداد با فدراسیون‌ها و شفاف‌سازی مالی کاملاً منطقی است.

احوالات قندی یزد، اولین سقوط‌کننده لیگ برتر

کابل‌ها دیگر تحمل ندارند

عصر دیروز مدیرعامل شرکت کابل‌های مخابراتی شهید قندی رودرروی استاندار یزد نشست تا تکلیف تیم فوتبال کارخانه‌اش را یکسره کند. «این تیم تنها هزینه‌زا است و صرفه اقتصادی ندارد، به‌خصوص در شرایطی که حتی کارخانه هم بدهی زیادی دارد داشتن یک تیم دسته یکی که جنبه تبلیغی هم ندارد چه سودی برای ما دارد.» این نظری بود که سهامداران در آخرین نشست کاری به مدیرعامل کارخانه اعلام کرده بودند. اما خلاص شدن از این تیم به همین سادگی هم نیست، تیمی که سی هزار تماشاگر دارد. تماشاگران جوانی که اگر خشمگین شوند ممکن است تبعاتی تلخ داشته باشد. استانداری، فرماندهی نیروی انتظامی، دستگاه‌های امنیتی و حتی امام جمعه یزد بارها اعلام کرده‌اند که تیم فوتبال همچنان باید ادامه حیات بدهد. ذبیحی که نظر منفی سهامداران را درباره تیمداری شنیده به دفتر استاندار رفت تا یک بار برای همیشه کار را یکسره کند. او در چند ماه گذشته بیش از پنج بار رودرروی عاصی‌زاده نشسته و از او خواسته بود همان‌طور که در ابتدای فصل قول داده بودند نیمی از هزینه‌های تیم را بپردازند اما استاندار هر بار تنها گفته بود به زودی ولی هیچ‌وقت پولی نرسید. ذبیحی دیشب به دفتر استاندار رفت که بگوید از حالا تیم برای شما، امتیاز تیم را به رایگان در اختیارتان می‌گذاریم اگر می‌توانید اداره‌اش کنید. شرکت کابل‌ها دیگر امیدی به تیم‌داری ندارد.

البته او با این واکنش می‌خواست قولی عملی از استاندار برای کمک‌های مالی استان جهت ادامه فعالیت تیمش بگیرد.

۱- اوایل سال ۸۱ مدیریت کارخانه قندی که بزرگ‌ترین شرکت تولیدکننده کابل‌های مخابراتی ایران است سرمایه‌گذاری روی فوتبال را با آوردن فرشاد پیوس به تیمش آغاز کرد. آنها سال بعد با نادر دست‌نشان به پلی‌آف لیگ برتر رسیدند. در این فصل و با بازی‌های خوب قندی بود که برای اولین‌بار فوتبال ایران با نام این تیم یزدی آشنا شد. قندی که در هفته‌های نخستین بازی‌های آن فصل برای هر بازی تنها ۵۰۰ نفر را به ورزشگاه می‌کشاند، با ۱۳ پیروزی پی‌درپی و صعود به بالای جدول باعث شد تا کم‌کم به تعداد تماشاگران قندی اضافه شود به طوری که اولین بار در تاریخ ورزش یزد سی هزار یزدی بازی قندی و صباباتری را از نزدیک تماشا کردند و از آن پس دیگر قندی در هر بازی بیش از بیست هزار نفر را به ورزشگاه می‌کشاند، قندی آن سال در پلی‌آف از صعود باز ماند.

سال بعد هدایت قندی را شیخ لاری برعهده گرفت. او هم همواره قندی را در صدر جدول نگه داشت حتی وقتی در میانه‌های فصل با واگذاری کارخانه به بخش خصوصی بحران انحلال تیم پیش آمد هم تیم او صدر جدول را از دست نداد تا سرانجام در خرداد ۱۳۸۴ سی هزار تماشاگر یزدی با پرچم‌های نارنجی روی چمن ورزشگاه نصیری، شیخ لاری و شاگردانش را روی دوش گرداندند. آری آنها به لیگ برتر صعود کرده بودند و فوتبال ایران از اضافه شدن سی هزار تماشاگر جدید به تماشاگرانش خشنود بود. مسئولان استان هم شاد بودند. بی‌آنکه هزینه‌ای کنند بهترین وسیله برای پر کردن اوقات فراغت جوانان ایجاد شده بود.

۲- بهمن ماه ۸۳ بود که وزارت فناوری اطلاعات سهام شرکت کابل‌ها را وارد بورس کرد، ۵۶ میلیارد تومان مبلغی بود که شرکت توسعه معادن کشور برای خرید بیش از ۷۱ درصد سهام کارخانه پرداخت تا سهام‌دار ارشد باشد. شیروانیان مالک جدید کارخانه در همان نخستین اظهار نظر اعلام کرد که ترجیح می‌دهد به جای هزینه روی ورزش، سود کارخانه را به سهامی بدهد که شاید یک پیرزن می‌خواهد با آن خرج زندگی‌اش را بدهد.

با این جمله مالک جدید هزاران نفر از جوانان علاقه‌مند پشت در کارخانه در یزد تحصن کردند. استاندار سابق یزد که اهمیت ویژه این تیم را می‌دانست و از سوی خاتمی ماموریت داشت شرایط صعود تیم استان رئیس جمهور را به لیگ برتر فراهم کند با استفاده از نفوذ سیاسی، کارخانه را وادار به سرمایه‌گذاری روی تیم کرد تا بالاخره قندی به لیگ برتر برسد.

۳- همزمان با صعود تیم به لیگ برتر بود که همراه با سقوط یک‌باره شاخص بورس تهران هر برگه سهام شرکت کابل‌ها که در زمان ورود به بورس ۹۸۰ تومان بود و در اسفندماه ۸۳ به ۱۳۰۰ تومان هم رسیده بود به کمتر از ۶۸۰ تومان رسید. همچنین پس از اینکه اداره کل مخابرات اعلام کرد مراکز مخابراتی دیگر الزام به خرید انحصاری کابل از شهید قندی ندارند این شرکت سودده دولتی به شرکتی زیان‌ده در بخش خصوصی بدل شد و در آستانه ورشکستگی قرار گرفت. سه ماه تعطیلی خط تولید کارخانه حاصل همین اتفاق بود. اتفاقی که بار دیگر مدیران شرکت را وادار کرده بود تیم لیگ برتری‌شان را تعطیل کنند. اما باز همان فشارها مانع شد. پس از قول و قرارهای مدیر جدید کارخانه که جانشین شیروانیان شده بود، ذبیحی در مذاکره با استاندار یزد به توافق رسیده بود تا نیمی از هزینه دومیلیارد تومانی حفظ تیم در لیگ برتر را بپردازد و باقی هزینه‌های تیم را هم از طریق جذب اسپانسر و کمک استانداری تامین کند اما تا پایان فصل حتی یک ریال از وعده‌های مقام‌های استانی هم تحقق نیافت. شرف‌الدینی مدیرکل تربیت بدنی یزد می‌گوید: «شهریورماه قرار گذاشتیم و چون راهکارهای مناسبی برای جذب این پول را در اختیار نداشتیم موفق به تامین پول نشدیم.» و این گونه تیم با مشکلات فراوانی در مراحل مختلف فصل از همان روزهای نقل و انتقالات تا بازی با ملوان روبه‌رو بود.

۴- پس از سپرده شدن هدایت قندی به پورحیدری و گده که با قراردادی سیصد میلیون تومانی به یزد آمدند، ۱۶ بازیکن فصل قبل که همگی از بهترین‌های فصل این تیم بودند کنار ماندند تا پورحیدری در ازای آنها یاران دلخواهش را جذب کند. چهار برزیلی، هادی طباطبایی، یک مهاجم آلمانی، محسن رسولی که از تمرین پرسپولیس دیپورت شده بود، علی جعفری و نادر آقازاده یارانی بودند که پورحیدری به یزد آورد. یکی از بازیکنان یزدی قندی می‌گوید: «اینها همه فقط آمده بودند که پولشان را بگیرند و بروند، از هادی طباطبایی که مثلاً قرار بود بزرگتر تیم باشد و فقط در تیم حاشیه می‌ساخت تا محسن رسولی که ۶۵ میلیون گرفته یا علی جعفری که حتی راه رفتن هم بلد نبود. ما حتی در همان اردوی پیش از فصل کردان به مدیران تیم هشدار دادیم ولی آنها گفتند: واسطه این بازیکنان آشنا است. او برای ما بازیکن بد نمی‌آورد!» حتی مدیران ارشد قندی هم دلیل سقوط تیم‌شان به لیگ یک را بد بسته شدن ارنج تیم می‌دانند. یکی از مسئولین باشگاه می‌گوید: «حتی گده هم از این بازیکنان گلایه داشت اما پورحیدری هرچه بازیکن به تمرین تیم می‌آورد در همین سطح بودند و وقتی رفت گده اول از همه علی جعفری بازیکن مورد علاقه پورحیدری را که خوب دویدن را هم بلد نبود کنار گذاشت ولی دیگر کار از کار گذشته بود.» ذبیحی مدیرعامل کارخانه قندی هم وقتی می‌خواهد درباره علت سقوط حرف بزند می‌گوید: «ما در بازی‌های پایانی بهترین مربی لیگ برتر را داشتیم اما قبل از جلالی با مایلی کهن مذاکره کردیم. او حرف جالبی به ما زد که حقیقت داشت. او گفت تیم شما توان و زور ماندن در لیگ برتر را ندارد. با این بازیکنان نمی‌توانید انتظار معجزه و ماندن در لیگ برتر را داشته باشید.» و در نهایت قندی که در یازده هفته پایانی مجید جلالی را روی نیمکت داشت تنها سه امتیاز گرفت تا اولین تیم سقوط‌کننده باشد. با این وجود مجید جلالی همچنان در بین تماشاگران یزدی محبوبیت بالایی دارد. او پس از شکست مقابل استقلال به شدت تشویق شد. حسین سالار یکی از لیدرهای قندی می‌گوید: «دلیلی ندارد از جلالی ناراحت باشیم. تیم ما به پورحیدری و بازیکنان بی‌تعصب و پول‌دوست او باخت تا سقوط کند.»

۵- دوشنبه صبح دیگر همه از سقوط قندی به دسته پایین‌تر اطمینان داشتند. هرچند جلالی و بازیکنان شهرستانی قندی هنوز به یزد برنگشته بودند اما مردم در شهر همه درباره بازیکنان بی‌تعصبی حرف می‌زدند که باعث سقوط تیم شده‌اند، شرف‌الدینی می‌گوید: «خب آنها ناراحت هستند و حق هم دارند. امروز از صبح هر کس به اداره تربیت بدنی آمده یا یکی از مسئولین ما را دیده از سقوط قندی گلایه می‌کند، از بازیکنانی غیربومی که تیم را به هم زدند.» این وضعیت و فشار انتقادها را هوشنگ کیا کاپیتان یزدی قندی بیش از سایرین لمس کرد. دیروز هر کس او را دیده جمله‌ای از بی‌تعصبی گفته، او می‌گوید: «اگر کار واجبی نداشتم خودم را در خانه حبس می‌کردم. همه از شکست تیم ناراحت بودند و حق داشتند از من که بزرگتر تیم هستم گلایه کنند. سقوط ما به‌خاطر امثال رسولی و طباطبایی بود که حتی یک بازی مفید هم برای ما انجام ندادند. چند هفته قبل من و چند نفر دیگر از وضعیت تیم ناراحت بودیم اما یکی از این آقایان ما را مسخره می‌کرد و می‌گفت «مگه چه فرقی داره تیم بره دسته پائین‌تر یا بمونه!» بعد از بازی با استقلال هم خیلی از آنها با خنده در اردوی تیم می‌گفتند، آمدیم تیم را فرستادیم لیگ یک حالا هم برمی‌گردیم به خانه‌هایمان. تیم شهرشان نبود که بخواهند غصه بخورند.» از همان آغاز فصل اختلاف شدیدی میان یاران جدید و قدیم تیم وجود داشت و بی‌شک یکی از دلایل سقوط قندی همین نبود همدلی می‌توانست باشد. تیمی که از هفته سیزدهم دور رفت به بعد هیچ‌گاه نتوانست برنده باشد و بالاخره سقوط کرد.

۶- بلافاصله پس از سقوط تیم خبر انحلال قندی در محافل ورزشی پیچید. خبری که عبدالرضا دستا مدیرعامل تیم هم آن را تایید کرد. سقوط تیم به دسته پائین‌تر و مقرون نبودن به صرفه اقتصادی عواملی بود که مسئولان شرکت کابل‌ها را وادار به انحلال قندی کرده بود. با این وجود فشار استانداری باعث شد باشگاه از تایید رسمی خبر انحلال خودداری کند. ذبیحی پیش از حضور در جلسه شورای تامین یزد و دیدار با استاندار درباره سرنوشت باشگاه می‌گوید: «همه‌چیز به اتفاقات این جلسه بستگی دارد. باید ببینیم چه خواهد شد. ما دوست داریم به استانی که در آن فعالیت می‌کنیم خدمت کنیم. تیم فوتبال قندی آبروی استان یزد است و همه دوست داریم این تیم همچنان به فعالیتش ادامه دهد هرچند مدیرعامل کارخانه در ابتدا حرفی از انحلال باشگاه نمی‌زند اما خبر تصمیم هیات‌مدیره کارخانه به انحلال بخش ورزش کارخانه از کانال‌های معتبر به بیرون درز کرده است و حتی مقام‌های ورزشی استان هم با اینکه در تکاپو هستند تا شاید بتوانند یک‌بار دیگر کارخانه را وادار به تیم‌داری کنند اما خودشان را برای اتفاقات تلخ هم آماده کرده‌اند.» بابایی رئیس هیات فوتبال یزد می‌گوید: «اگر آنها تیم‌داری نکنند ما هرچه در توان داشته باشیم خرج می‌کنیم تا امتیاز تیم از شهر خارج نشود. یک اسپانسر جدید را برای تیم پیدا می‌کنیم و فعالیت تیم را ادامه می‌دهیم. نمی‌گذاریم تیمی که به زحمت ساخته‌ایم از بین برود. این را قول می‌دهم.» مسئولین شرکت قندی در یک صورت تنها حاضر به ادامه تیم‌داری هستند، آنکه استانداری بخش اعظمی از هزینه‌ها را تامین کند یا امتیازهای خاصی در اختیار آنها بگذارد. ذبیحی می‌گوید: «برای سهامداران خصوصی شرکت سرمایه‌گذاری زیان‌ده روی یک تیم فوتبال قابل توجیه نیست. استانداری یزد باید شرایط ما را درک کند. این جلسه همه‌چیز را روشن می‌کند.» جلسه‌ای که دیشب انجام شده هنوز خبری از نتیجه آن به دست نیامده است. هرچند بعید است دوطرف به نقطه مشترکی برسند. با این وجود مسئولین یزدی همچنان از ادامه فعالیت تیم شهرشان با همین نام حرف می‌زنند: شرف‌الدینی می‌گوید: «یک حامی مالی جدید پیدا می‌کنیم یا از ردیف بودجه اصل ۱۰۱ قانون برداشت می‌کنیم.» اما او در پاسخ به این سئوال که چرا اگر راه‌هایی برای کمک مالی به باشگاه بود، همین امسال که تیم مشکل مالی داشته انجام نشده، جواب قانع‌کننده‌ای ندارد و تنها می‌پذیرد که مشکلات مالی دلیل اصلی سقوط تیم بوده است. در این شرایط این سئوال مطرح است که اگر کارخانه قندی تصمیم به انحلال تیمش بگیرد آیا استان توان تامین هزینه‌های تیم‌داری را دارد؟ اگر این تیم منحل شود فوتبال ایران سی هزار تماشاگر را از دست می‌دهد. اتفاقی که فاجعه‌ای تلخ برای فوتبالمان است.